

میراث بازی‌های آسیایی که دیگر نیست

ویژگی:

پلی که برای تسهیل تردد ورزشکاران خارجی ساخته شد

موضوع: گیشا

پل گیشا، یکی از نخستین نمادهای تهران مدرن بود؛ پلی که ساخت آن به بازی‌های آسیایی سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ شمسی) گره خورده است. ماجرا از این قرار بود که این پل به دستور شهردار وقت برای تسهیل و دسترسی آسان ورزشکاران به مجموعه ورزشی آزادی ساخته شد. این پل قصه جالب و پرماجری را از سر گذرانده است.



علیرضا زمانی تهران‌پژوه، درباره ماجرای ساخت این پل خاطره‌انگیز که امروز جز خاطرات سیاه و سفید در اذهان اهالی گیشا باقی نمانده است، چنین تعریف می‌کند: «پل گیشا که بعدها با تغییر نام محله به پل کوی نصر شهرت پیدا کرد، در امتداد بزرگراه جلال احمد امروزی و در نزدیکی خیابان گیشا قرار داشت. این پل با توجه به نیاز به تسهیل تردد ورزشکاران و تماشاگران به محل برگزاری بازی‌ها، یعنی مجموعه ورزشی آزادی، ساخته شد.» زمانی درباره طراحی خاص این پل توضیح می‌دهد: «ساخت این پل که با سازه فلزی پیچ و مهره‌ای طراحی شده و قابلیت تعمیر و تعویض داشت، به شرکتی بلژیکی سپرده شد. درواقع، یکی از نخستین پل‌های فلزی شهر تهران بود که نماد نوگرایی و نوآوری در زمینه پل‌سازی محسوب می‌شد و به راحتی دسترسی محله گیشا را به دیگر نقاط شهر میسر می‌کرد.»

به گفته زمانی، به این پل ابتدا نصرت می‌گفتند که بعدها به پل گیشا شهرت پیدا کرد. این پل پرسر و صدای ۶۲۰ متری که قرار بود موقتی باشد و در مدت زمان کوتاه بازی‌های آسیایی در همسایگی محله گیشا برپا شد، حدود ۴۸ سال ماندگار شد تا اینکه سال ۱۳۹۸ با توجه به مشکلات ترافیکی که برای مسیر بزرگراه جلال آل احمد ایجاد کرده بود و همچنین به دلیل کهنساخت و فرسایش و آلودگی صوتی که برای همسایه‌های همجوارش به‌ویژه شب‌ها ایجاد می‌کرد و لرزش و عدم ایمنی، به‌طور کامل حذف و زیر گذر تقریباً یک کیلومتری جایگزین این پل خاطر‌ه‌انگیز شد.

خاطرات رفاقت با

رئیس جمهور شهید

موضوع: مسجد جعفری تنها مسجد کوی نصر

ویژگی:

پایگاه روحانی انقلابی و امام جماعتی که رئیس جمهور شد



پس از انقلاب خدا دعاهای حاج آقا روشندل را مستجاب می‌کند. او ماجرای حضور شهید آیت‌الله ابراهیم رئیسی به عنوان امام جماعت مسجد جعفری را اینگونه روایت می‌کند: «آیت‌الله علم‌الهدی آن روزها امام جماعت مسجدی در محله تهران‌ویلا بود. ایشان را می‌شناختم. به همراه دیگر مسجدی‌های محل به خدمت ایشان رفتم و ماجرا را تعریف کردیم. ایشان نیز بعد از مدتی آیت‌الله رئیسی را برای امام جماعتی مسجد جعفری گیشا فرستاد. سال ۱۳۷۵ آیت‌الله رئیسی امام جماعت مسجد جعفری شد.»

حضور شهید رئیسی در مسجد جعفری گیشا سرآغاز همراهی و رفاقت ایشان با اهالی محل بود. روشندل می‌گوید: «نماز مغرب و عشا که همیشه در مسجد حضور داشتند. تنها زمانی که در قوه قضاییه مشغله‌هایش زیاد شد ممکن بود گاهی برای نماز ظهر نرسند. به معنای واقعی مردمی بود. نه تنها پولی بابت حضورش در مسجد دریافت نمی‌کرد بارها پیش آمده بود که برای امور مسجد و مردم پول هم داده بود. چندین بار به خان‌ها آمد و جویای احوال اهالی بود. رفیق بود و من بیشتر اوقات او را با چشمانی اشکبار می‌دیدم. می‌گفت: «حاجی دعا کن همه عمرم خدمتگزار مردم باشم و بعد شهید شوم.» الحق که خدا دعایش را به نیکی مستجاب کرد.»

اینجا مسجد جعفری است؛ مسجدی که شهید خدمت، آیت‌الله ابراهیم رئیسی ۲۰ سال امام جماعت آنجا بود. ریش سفیدهای محله گیشا (کوی نصر) رئیس جمهور شهید را نه یک امام جماعت بلکه بیشتر به عنوان رفیق و همراه به یاد می‌آورند.

مکبر سلام نماز را می‌دهد. مسجد کم‌کم خالی می‌شود. حسین روشندل پیر مرد ۸۶ ساله‌ای است که همه او را پیر مسجد صدا می‌زنند. شمرده سخن می‌گوید و خاطرات مسجد جعفری را اینگونه مرور می‌کند: «آن را نگاه نکنید مردم راحت می‌آیند و می‌روند. روزگاری اینجا اگر صدای مؤذن بلند می‌شد مأموران کلانتری دور تادور مسجد را فرق می‌کردند. با ترس و اضطراب نماز می‌خواندیم. مسجد جعفری از زمانی که حاج آقا رئیسی سجاده‌اش را اینجا پهن کرده و امام جماعتان شد گویی چلچراغی نورانی به آن آویزان کرده باشند چراغش همیشه روشن ماند.»

قبل از انقلاب زمین‌های گیشا قطعه‌بندی شد و هر کس که در توانش بود تکه زمینی خرید. مادر مرحوم حاج آقامدحت از معتمدان محله گیشا که زنی نیکوکار و بخشنده بود زمینش را وقف مسجد کرد. حاجی روشندل می‌گوید: «زمین که وقف شد مسجد به همت اهالی ساخته شد. هنوز هم که هنوز است این مسجد تنها مسجد محله گیشاست و بعد از انقلاب ۲ نمازخانه یکی در پارک گفتگو و دیگری در بلوار گیشا ساخته شد. زمین‌ها که به فروش رفت متأسفانه تعدادی بهایی بخشی از این زمین‌ها را خریدند. تعدادشان زیاد نبود ولی تلاششان برای تسلط فکری روی جوان‌های محل اهالی را به وحشت انداخته بود. مسجد محله به شدت زیر نظر طاغوتیان بود. جوری که نماز خواندن بدون ترس و دغدغه آرزویمان شده بود. از طرفی اهالی محل بیشتر نشست‌ها و فعالیت‌های انقلابی را در همین مسجد ساماندهی می‌کردند. چندین امام جماعت آمدند و رفتند. شبی را به یاد دارم که در همین مسجد اشک می‌ریختم و دعا می‌کردم که خدا امام جماعتی همدل برای این مسجد بفرستد.»

۱۲ شب برق قطع می‌شد

بودند. برای تولید برق حوالی خیابان چهل و یکم ۲ تا موتور بلز و یک موتور استر تک داشتیم که معمولاً چند ساعتی این موتورها را برای استفاده اهالی روشن می‌کردند. درواقع تا ۱۲ شب و زمان پخش اخبار از رادیو اهالی برق داشتند و بعد خاموشی برقرار بود تا صبح روز بعد که موتورها دوباره روشن می‌شدند. آب مصرفی اهالی از استخری که در محله بود تأمین می‌شد. آن زمان حدود ۱۰ تا ۲۰ نفر برای تأمین آب و برق در محله گیشا مشغول به کار بودند.»



موضوع: نحوه تأمین آب و برق محله

ویژگی: مدیریت خصوصی توزیع آب و برق

در روزگاری که تهران هنوز مثل امروز استخوان نترکاننده بود و تعداد محله‌هایش در حال افزایش و گسترش بود، بیشتر خدمات رفاهی و امکانات زندگی شهری مثل آب و برق به صورت منطقه‌ای و خصوصی تأمین می‌شد. برای مثال، خدمات آب و برق محله گیشا را تا سال ۱۳۴۷ به صورت خصوصی ارائه می‌کردند. قربان مشهوری از اهالی قدیمی گیشا، با بیان این مطلب از ماجرای تأمین برق و آب محله گیشا در اوایل دهه ۳۰ چنین می‌گوید: «تعداد خانه‌ها در روزهای نخست شکل‌گیری محله گیشا انگشت شمار بود و چیزی حدود ۲۰ تا ۳۰ خانوار ساکن این محدوده

